

نقش حضرت علی (علیه السلام) در گسترش دانش‌های قرآنی*

صدیقه طاهری اندانی**

چکیده

درباره وراثت علم نبوی به ائمه اطهار (علیهم السلام) روایات بسیاری وجود دارد؛ لذا با آگاهی از روش و بینش معصومان (علیهم السلام)، به ویژه حضرت علی (علیه السلام) می‌توان به استفاده صحیح از قرآن و علوم مربوطه آن دست یافت. نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که حضرت علی (علیه السلام) چه نقشی در گسترش تفسیر و علوم قرآنی داشته است. محور اصلی نوشتار این بررسی جایگاه امام علی (علیه السلام) در زمینه تفسیر و علوم قرآنی و اقدامات ایشان برای جلوگیری از عدم تحریف قرآن و اسلام است. بیان انواع روش‌های تفسیری امام علی (علیه السلام) خود دلیلی بر علم وسیع ایشان است که سبب تربیت شاگردان بزرگ و اهل معرفتی شد تا بتوانند معارف را در بین مردم در قالب تفسیر و روایات بیان کنند. همچنین با علوم قرآنی و آموختن آن به اصحاب سبب عدم تحریف قرآن شد؛ به طوری که اگر این اقدامات شایسته نبود، نسل‌های بعدی از این فیض عظیم بی‌بهره می‌ماندند.

واژگان کلیدی: قرآن، امام علی (علیه السلام) تفسیر، علوم قرآنی، دانش.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۱۱.
**. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه رشته تفسیر تطبیقی: yass.taheri@gmail.com

مقدمه

در اعتقاد شیعه کسی می‌تواند سرآمد مفسران و تربیت‌کننده عالی‌ترین چهره‌های آنان باشد که خود نیز از فضایل و کمال اعلی برخوردار باشد. از آن جایی که حضرت علی (علیه السلام) در تمام علوم از مقامی برجسته برخوردار بودند، به طبع در قرآن و علوم مربوط به آن نیز باید کمال بهره را برده باشند. در این نوشتار با بررسی جایگاه علمی امام در تفسیر به بیان انواع روش‌های تفسیری ایشان مانند تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر لغوی و استناد به روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌شود. سپس به نقش ارزنده حضرت علی (علیه السلام) در زمینه نوشتن مصحف و بعد از آن به تربیت شاگردانی که راه پیشوای خویش را پیمودند اشاره می‌گردد. همچنین نقش حضرت در گسترش علوم قرآنی و تربیت شاگردان در این عرصه می‌شود.

مفهوم‌شناسی

الف) امام

از نظر لغوی، لغت «امام» از ریشه «أَمَّ، یؤم، إمامه» گرفته شده و به معنای پیشوا و کسی است که گروهی به او در گفتار یا رفتار وی اقتدا می‌کنند (جوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ۱۳۶۸: ۵/ ۱۸۶۵ و الراغب الإصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲: ۲۴) و او قوم را به راه راست هدایت کند (زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۳۱/ ۲۴۳) یا به گمراهی؛ چنانکه در قرآن به نبرد با امامان کفر اشاره شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۲۲).

امامت در اصطلاح به معنای ریاست عمومی در امور دین و دنیا (موسوی، الشافی فی الامامة، ۱۴۱۰: ۵/ ۱؛ حلی، المسلك فی أصول الدین، ۱۳۷۹: ۳۰۶؛ البحرانی، النجاة فی القيامة، ۱۴۱۷: ۴۱) برای شخصی از اشخاص به نیابت و جانشینی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است (الحلی، النافع يوم الحشر، ۱۴۱۷: ۹۳ و ۹۴؛ الماوردی، الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ۱۴۰۹: ۳/ ۱؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ۱۴۰۱: ۲/ ۲۷۲)؛ از این‌رو، این شخص باید معصوم و پاک از گناه باشد (رازی، تفسیر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۱۴۴) تا بتواند سکان سفینه هدایت مسلمانان را در دست بگیرد. این تعاریف در دیدگاه شیعه و سنی مشترک است و تنها در برخی موارد تفاوتی جزئی دیده می‌شود (حسینی میلانی، جواهرالکلام فی معرفة الامامة والامام، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۰).

با ذکر تعاریف، امام در امور دنیا و دین پیشواست و چنانچه پیامبر ﷺ خویش به عنوان ذو وجوه است؛ بنابراین جانشین ایشان هم باید تماماً مانند ایشان باشد و در اموری مانند قضاوت، هدایت، اجرای احکام و حدود، تفسیر قرآن و... نیز باید اعلم از دیگران باشد.

ب) قرآن

واژه «قرآن» مصدری است (ابن منظور، لسان العرب، ماده «قرأ»، ۱۴۱۴: ۱/ ۲۲) با معانی متفاوت مانند «جمع و گردآوری» (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲: ماده قراء؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۴: ذیل آیه ۱۷، سوره قیامت) به دلیل اینکه قرآن جامع فواید کتب آسمانی گذشته و همه علوم است به معنای «خواندن» است (مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه مکتب الاعلام الاسلامی، علوم القرآن عند المفسرین، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۲)؛ زیرا کتاب آسمانی مسلمانان خواندنی است پس به آن «قرآن» می‌گویند.

برای قرآن تعریف‌های اصطلاحی زیادی ارائه شده است و آن را کلام الهی می‌دانند که از جانب خداوند تدریجاً بر حضرت محمد ﷺ به زبان عربی و لهجه قریش نازل شده است، به طوری که حتی به آیه‌ای از آن، قرآن گفته می‌شود، حتی بخشی از یک آیه نیز قرآن است (عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۶۱).

ج) تفسیر

واژه تفسیر در لغت از ریشه «فسر» به معنای روشن کردن، آشکار ساختن امر پوشیده (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲/ ۷۸۱؛ فیروزآبادی، ترتیب القاموس المحیط، ۱۳۹۹: ذیل «فسر»؛ زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ذیل «فسر»)، ایضاح و تبیین (جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۳۶۸: ذیل «فسر»؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ذیل فسر؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲/ ۷۸۱) است و برای اظهار معنای معقول و مفاهیم غیر محسوس به کار می‌رود (راغب اصفهانی، مقدمه تفسیر راغب، ۱۴۱۲: ۱۰) و این آشکار نمودن مطالب معنوی و معقول همراه با سعی و اجتهاد است (ابن عاشور، تفسیر التحرير و التنویر، ۱۹۸۴: ۱/ ۱۰؛ معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۱۹: ۱/ ۱۳۱۴).

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشواری که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است.

تفسیر یکی از صنایع ادبی است. در این صنعت، شاعر یا گوینده آنچه در آغاز به صورت مبهم یا مجمل آورده، شرح می‌دهد (فراهِیدی، کتاب العین، ۱۴۰۵: ذیل «سفر»؛ ابن درید، جمهره اللغة، ۱۹۸۸: ذیل «فسر»). اما به دلیل کثرت استعمال تفسیر در بیان معانی الفاظ و عبارات قرآن، این واژه، به تنهایی و بدون ذکر قرینه، در عرف دانشمندان اسلامی و همه مسلمانان بر تفسیر قرآن دلالت می‌کند.

د) علوم قرآنی

برخی معتقدند علوم قرآنی هر علمی است که در خدمت قرآن باشد یا مستند به قرآن باشد یا از قرآن استنباط شوند (عتر، علوم القرآن الکَریم، ۱۴۱۶: ۷؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۸۳: ۱/ ۷۷ و ۲/ ۷۷)، مانند: علم قرائات، علم رسم الخط قرآن، علم اعجاز قرآن، علم اسباب النزول، علم اعراب القرآن، علم غریب القرآن و... (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۷).

علوم قرآن در معنای اصطلاحی عنوان و نام برای دانشی است که موضوع آن قرآن کریم است و آن را از جهات مختلف همچون کیفیت نزول، قرائت، پیوند با حوادث عصر نزول، احکام و تشابه، اعجاز، اصالت، صیانت و ... مورد بررسی قرار می‌دهد (همان، ۳۱). برخی علوم قرآن را علمی می‌دانند که دربارهٔ حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث می‌کند و موضوع در تمامی آنها قرآن است (صالحی کرمانی، درآمدی بر علوم قرآنی، ۱۳۶۹: ۱۸).

۱. نقش امام علی (علیه السلام) در تفسیر

از آیات قرآن بر می‌آید که در درجه نخست پیامبر، خود عهده‌دار تبیین آیات قرآن برای مردم بوده و این رسالت مهم، همزمان با نزول وحی، از جانب خداوند بر عهده او گذاشته شده بود (نحل/ ۴۴، ۶۴). البته ظاهر امر نشان می‌دهد که بیشتر آیات قرآن برای مردم قابل فهم بوده و برای آن دسته از آیاتی که روشن نبوده و به تفسیر نیاز داشته، به پیامبر یا صحابه مراجعه می‌کردند (مرادی، امام علی (علیه السلام) و قرآن، ۱۳۸۲: ۶۹، ۷۱).

پیامبر در آخرین حج خود با بیان حدیث معروف ثقلین (سیوطی، تاریخ الخلفاء، ۱۹۵۲: ۱۷۳؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۹۴؛ سیوطی، درالمنثور، ۱۴۰۴: ۲/ ۶۰؛ ابن حنبل، مسند احمد، ۱۴۱۶: ۳/ ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹، ۴/ ۳۶۶، ۳۷۲-۳۷۰)، عترت خود را برای

جانشینی خود معرفی کرد تا همان نقشی را که وی در تفسیر و شرح شریعت داشت، ایفا نمایند. در واقع، پیامبر با بیان این حدیث به وضوح ملازمت قرآن و اهل بیتش را بیان نمود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۳: ۱/ ۳ و ۴).

از سوی دیگر طبق، روایتی، پیامبر ﷺ امام علی علیه السلام را با قرآن و قرآن را با ایشان قرینه ساخته (شبلنجی، نور الابصار، ۱۳۷۳: ۸۹؛ نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۸: ۳/ ۱۳۴، ح ۴۶۲۸؛ مفید، الجمل، ۱۳۷۱: ۴۱۷؛ طوسی، الأمالی، ۱۴۱۴: ۴۶۰، ح ۱۰۲۸ و ۵۰۶، ح ۱۱۰۸) و در جایی دیگر به علم حضرت علی علیه السلام از ظاهر و باطن قرآن اشاره نموده است (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹: ۲/ ۴۳؛ معرفت، التفسیر والمفسرون، ۱۴۱۹: ۱/ ۹۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۳: ۷/ ۱). همین سخنان عمق ملازمت بین قرآن و عترت را آشکار می‌نماید و با اتمام حجت الهی بر مردم، علم و تفسیر قرآن را نزد علی علیه السلام می‌داند که هرگز از او جدا نمی‌شود (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ۴۰۳)؛ چرا که امام علی علیه السلام از نظر علمی استفاده فراوانی از ساحت مقدس پیامبر می‌بردند؛ به طوری که هر روز صبح زود (نسائی، سنن نسائی، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۷۸؛ ابن حنبل، مسند احمد، ۱۴۱۶: ۱/ ۸۵) و اول شب (عسگری، معالم المدرستین، ۱۴۱۲: ۲/ ۳۰۵؛ قزوینی، سنن ابن ماجه، بی‌تا: حدیث ۳۷۰۸) به خانه آن حضرت می‌رفتند و تمام سؤالات خود را از حضرت می‌پرسیدند و بعد از املائی پیامبر مطالب را مکتوب می‌کردند (عسگری، معالم المدرستین، ۱۴۱۲: ۲/ ۳۰۴؛ صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱۹۸).

به همین دلیل علم ایشان در شرح، بیان، تفسیر و شأن نزول آیات قرآن گسترده بود، لذا می‌دانستند آیات درباره چه، کجا و در چه زمانی نازل شده است (عسگری، معالم المدرستین، ۱۴۱۲: ۲/ ۳۰۴؛ عسگری، نقش أمه در احیا دین، بی‌تا: ۱۹/ ۱۱-۲۵؛ هلالی، کتاب سلیم، ۱۴۰۵: ۲۵۶؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۳۳۸؛ عیاشی، التفسیر، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۴؛ ابن بابویه، الامالی، ۱۳۷۶: ۳۵۰؛ معرفت، التفسیر والمفسرون، ۱۴۱۹: ۱/ ۸۹).

در ادامه به مهم‌ترین اقدامات امام علی علیه السلام در زمینه تفسیر قرآن پرداخته می‌شود:

۱-۱. ارائه روش‌های تفسیری

امام علی علیه السلام برای بهره‌برداری مردم از معارف الهی، قرآن را به چند روش تفسیر نمودند تا امر تلاوت و تفهیم قرآن بر مردم سهولت یابد و بتوانند از دریای بی‌کران الهی بهره بگیرند. در ذیل به چند نمونه از این روش‌ها اشاره می‌گردد:

یک - استفاده از روایات پیامبر

در روایات تفسیری حضرت علی (علیه السلام) استناد به سخن پیامبر بسیار دیده می‌شود (همان، ۷۵۶؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۷۸/۲۱) که خود شاهی گویا بر اهمیت آن در تفسیر امام است. ایشان در جایی انواع تفسیر قرآن را به پیامبر نسبت داده (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۴-۴۵) و در جایی دیگر، رسول خدا را مفسر قرآن و معلم امت برای مشروح فرائض خداوند در قرآن معرفی نموده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۷۸/۹۰، ۹۳).

در روایتی از امام علی (علیه السلام) که نقل شده پیامبر «الصرط المستقیم» را به قرآن تفسیر کردند (طبری، جامع البیان، بی تا: ۱/ ۷۴۲)، و مراد از «الصلوة الوسطی» را نماز عصر (ابن الجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بی تا: ۱/ ۲۸۲، الشافعی، احکام القرآن، ۱۴۰۰: ۱/ ۶۰) و «الباقیات الصالحات» در آیه ۴۶ و ۷۶ سوره کهف و مریم را اذکار شریفه «لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله ولا قوة الا بالله» معرفی کردند (ابن الجوزی، زاد المسیر، بی تا: ۵/ ۱۴۹).

دو - بیان تفسیر لغوی

یکی دیگر از روش‌های تفسیری امام علی (علیه السلام) روش تفسیر لغوی است؛ یعنی در مواردی، از الفاظی که معنای نزدیک به لفظ قرآن دارد، استفاده می‌کردند (مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۳/ ۲۱؛ شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۶۷: نامه ۷۷). موارد ذیل از نمونه‌های این روش تفسیری است:

کلمه «رَافِعِینَ» (آل عمران/ ۷۹) از دیدگاه امام به معنای «فقها»، «علما» و «کسانی که مردم را به حکمت تغذیه کرده، بر آن تربیت می‌کنند» می‌باشد (عمر، نشر طی فی فضل حملة العلم الشریف و الرد علی مافتهم الخیف، ۱۹۹۷: ۷۶، ابن الجوزی، زاد المسیر، بی تا: ۱/ ۴۱۳).

کلمه «رَهْنَةً» (مدثر/ ۳۸) را به معنای «مرتنه» می‌دانند که هر دو از یک ریشه و به یک معنا می‌باشند (مخزومی، تفسیر مجاهد، بی تا: ۲/ ۷۰۵).

از نظر ایشان «وَالْبَحْرُ الْمَسْجُورُ» (طور/ ۶) به معنای «آتش بزرگ خدا به هنگام قیامت» (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور ۱۴۰۴: ۷/ ۶۳۰). و کلمه «الْفَحْتِ» (مائده/ ۶۳) به معنای «رشوه» است (شوکانی، فتح القدر، بی تا: ۲/ ۴۴).

در جایی دیگر، امام منظور از «عَابِرِی سَبِيلٍ» (نساء/ ۴۳) را «مسافر» می‌دانند (ثعالبی، الجواهر الحسان فی القرآن، بی تا: ۱/ ۳۷۶).

امام «المیسر» (بقره / ۲۱۹) را به معنای نرد و شطرنج (عمادی، ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، بی تا: ۱ / ۲۱۹، شوکانی، فتح الغدیر، بی تا: ۲ / ۷۵) و کلمه «نَجَلَهُمْ أَيْقَةً» (قصص / ۵) را مربوط به یوسف و فرزندانش می داند (شوکانی، فتح القدیر، بی تا: ۴ / ۱۶۲). حضرت «العزم» (سبا / ۱۶) را به معنای «شدید» (همان، ۴۲۴) و مراد از «الماعون» (ماعون / ۷) را زکات واجب دانسته است (شوکانی، فتح الغدیر، بی تا: ۵ / ۵۰۱).

سه - تفسیر قرآن به قرآن

یکی از روش‌های مهم در زمینه تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن است. طبق نظر برخی از پژوهشگران عرب ریشه و اساس شکل‌گیری این روش تفسیری به دوران حضرت علی (علیه السلام) بر می‌گردد (عمری، دراسات فی التفسیر الموضوعی القصص القرآنی، ۱۴۰۶: ۵۰). حضرت علی (علیه السلام) بسیار از این روش استفاده نمودند و اعتقاد ایشان بر این بود که آیاتی از کتاب خدا برخی دیگر را تصدیق (این بابویه الصدوق، التوحید، ۱۳۹۸: ۲۵۵) و برخی آیات، برخی دیگر را تفسیر می‌کند (السید رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۳: ۱۹۲). در واقع، قرآن بخش‌های مجمل خود را تفسیر و پیچیدگی‌های خویش را بیان و آشکار می‌سازد (همان، خ ۱). این کلام امام در بردارنده دو معناست؛ یکی اینکه برخی آیات دارای اجمال و پیچیدگی است و دوم اینکه بخشی از آیات را می‌توان با برخی دیگر رفع پیچیدگی نمود.

نمونه‌ای از این تفسیر را می‌توان درباره آیه آخر سوره فاتحه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ دانست که امام آنها را همان کسانی می‌داند که خداوند در موردشان می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَاقِينَ وَالشَّاهِدَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ (نساء / ۶۹؛ عسکری، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۱۴۱۲: ۴۲).

همچنین در تاریخ ذکر شده است: زنی پس از شش ماه حمل، فرزندی بر زمین نهاد، به عمر بن خطاب گزارش دادند، آهنگ رجم کرد. به پندار اینکه مدت حمل نه ماه است و چون این زن پس از شش ماه از تماس با شوهر فرزند آورده است، پس پیشتر باردار بوده و زنا کرده است. امام علی (علیه السلام) از تصمیم عمر آگاه شد و او را از رجم بازداشت و فرمود: خداوند کریم در آیتی می‌فرماید: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾ و در آیتی دیگر می‌فرماید: ﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾. بدین سان شش ماه مدت حمل است و بیست و چهار ماه مدت شیردهی. عمر زن را رها کرد و گفت: خداوند روزی را نیاورد که مشکلی پیش آید و فرزند

ابوطالب نباشد (مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۱۸۷/۲؛ طبری، جامع البیان، بی تا: ۱۹۳/۲؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۱۸: ۳۳/۲۶؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۶/۱۹۳؛ ابن شبه، اخبار المدینة النبویة، ۱۴۱۰: ۳/۹۷۹؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۱۵۸؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۱/۲۸۸؛ نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱: ۷/۷۲۷؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲۸/۱۵؛ امینی، الغدیر، ۱۳۶۸: ۶/۹۳).

بنابراین حضرت طبق تفسیر آیه به آیه توانستند «اقل حمل» را در مورد زنی که خلیفه دوم حکم به رجم وی کرده بود، شش ماه بیان کند.

بنابر آنچه گذشت، می توان تفسیر قرآن به قرآن را یکی از راه های مد نظر امام علی (علیه السلام) در تفسیر قرآن دانست.

۲-۱. تربیت مفسران بزرگ

امام علی (علیه السلام) در زمان حکومت خلفا تنها راه گسترش معارف الهی را بر پایه تربیت و پرورش شاگردانی قرار دادند؛ شاگردانی که با ضمیری پاک و روحی آماده، مستعد پذیرفتن معارف و علمی از سوی رهبر و مولای خود بودند تا بتوانند قله های کمالات معنوی را فتح کنند و آنچه با دیده ظاهری نمی بینند با دیده دل و چشم باطن ببینند و به نسل آینده انتقال دهند.

از جمله مهم ترین شاگردان ایشان را می توان به ابن عباس، کمیل بن زیاد، مالک اشتر، میثم تمار، ابن مسعود، رشید هجری، حجر بن عدی و ... اشاره کرد؛ به طوری که هر کدام از این بزرگواران در زمینه حفظ و مصونیت قرآن تلاش های بسیاری کرده اند (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/۱۱۶۰؛ عسگری، نقش ائمه در احیای دین، بی تا: ۱۴/۱۵۹-۲۰۰؛ موسوی بجنوردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴: ۵/۱۸۵؛ طاهری، درس هایی از علوم قرآنی، بی تا: ۱/۳۴۷؛ زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۹: ۳/۲۳۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلا، ۱۴۱۴: ۵/۱۱۷).

یکی دیگر از اقدامات شاگردان ایشان، خواندن قرآن در طول روز و تفسیر آن برای مردم بود (طبری، جامع البیان، بی تا: ۶۰/۱) تا آنان را با معارف صحیح آشنا کنند. همچنین زمانی که ابن عباس به عنوان کارگذار حج از سوی امام انتخاب شد با خواندن خطبه و تفسیر سوره ها مردم را آگاه می کردند (همان). با گذر زمان هر یک از شاگردان تفسیری امام علی (علیه السلام) در مکه، مدینه و کوفه صاحب مکتب تفسیری شدند (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ۱۳۸۶: ۴۶۱).

برخی از شاگردان حضرت علی (علیه السلام) خود از صحابی و تابعین شخص پیامبر بودند، اینان معتقد بودند با وجود اینکه بیشتر تفسیر را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموختند، اما ادامه آن را نزد بهترین مردم پایان داده‌اند (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵: ۳/ ۲۵) و آشناتر از او به قرائت قرآن ندیده‌اند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۵۳).

چنین در منابع مختلف افرادی که ملازم همیشگی و معتقدان سرسخت ولایت بودند (معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۲۵)، اذعان نموده‌اند که شاگردی مکتب حضرت علی (علیه السلام) را داشته (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱/ ۳۵) و علم خود را از ایشان گرفته‌اند و علم ایشان را از پیامبر و علم پیامبر را از خدا دانسته (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۳: ۸۹/ ۱۰۵) و بدان نیز افتخار کرده‌اند (معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۹۰) و علم خود را نسبت به ایشان مانند قطره بارانی در برابر اقیانوس تلقی کرده‌اند (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی تا: ۱/ ۱۸، ۱۹).

این سخنان شاگردان پیرو حق و حقیقت، خود دلایلی بر علم و حکمت امام علی (علیه السلام) از معارف الهی است که با پیروی صحیح از او می‌توان به کمال سعادت بشری رسید. در ادامه برای شناخت شاگردان امام به معرفی اجمالی برخی از آنان می‌پردازیم. عبدالله بن عباس پسر عموی پیامبر و از سرشناس‌ترین مفسران عالم اسلام بود که در زمان رحلت پیامبر در سنین نوجوانی به سر می‌برد، اما علم تفسیر خویش را وام‌دار حضرت علی (علیه السلام) می‌داند (معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۴۱۹: ۱/ ۴۶۷).

ابن مسعود با اتصال معنوی و رابطه فکری با علی (علیه السلام)، آموزه‌های خود را متأثر از دانش و معلومات او می‌داند و می‌گوید: «من تفسیر را از علی (علیه السلام) برگرفتم و از او استفاده کردم و معلوماتم را بر او خواندم. بی‌شک علی (علیه السلام) بهترین و دانشمندترین مردم پس از پیامبر خداست» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۱۳/ ۱۱۴).

۳-۱. نوشتن مصحف

امام علی (علیه السلام) که بزرگ‌ترین شخصیت پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و در همه صحنه‌ها پیشتاز و پیشگام بود. از آغاز نزول وحی لحظه به لحظه در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و کتابت وحی را نیز به طور مداوم برعهده داشت. در واپسین روزهای حیات پر برکت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از جانب آن حضرت مأمور به جمع‌آوری قرآن گردید (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۴۸؛ زنجانی،

تاریخ القرآن، ۴۴) و همه بر این امر اتفاق دارند که امام علی (علیه السلام) اولین کسی بود که قرآن را حفظ و جمع کرد (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، بی‌تا: ۱/ ۲۷؛ صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۲۱۳؛ کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۲۸).

بدین ترتیب حضرت مهم‌ترین وظیفه خویش را جمع‌آوری قرآن قرار داد (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۵۲؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۷۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۲/ ۳۷۳؛ ابن شاذان، الايضاح، ۱۳۵۰: ۲۲۲-۲۲۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۳۳۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/ ۹۷۴) و سوگند یاد نمود که در خانه خود بماند و جز برای نماز جماعت خارج نشود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۳۳۸؛ ابن یحیی، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۱/ ۵۸۷؛ سیوطی، الاتقان، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰۴) تا اینکه قرآن مجید را به ترتیب نزول (سیوطی، اتقان، ۱۰۴۷: ۱/ ۷۱ و ۷۲؛ ابن ابی شیبہ، مصنف ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۹: ۱/ ۵۴۵؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۳۳۸؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۸) و در هفت جز (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲/ ۱۲۶) در یک مصحف جمع‌آوری نمود؛ به طوری که اگر جن و انس جمع می‌گشتند تا تألیفی مانند آن داشته باشند، توانایی آن را نخواهند داشت (زنجانی، تاریخ القرآن، بی‌تا: ۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۴۰؛ سیوطی، الاتقان، ۱۴۰۷: ۱/ ۵۷؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۰۱). هنوز شش ماه (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۵۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ۱۳۷۹: ۲/ ۴۰) و به نظر برخی سه روز (زنجانی، تاریخ القرآن، بی‌تا: ۷۶؛ بحرانی، تفسیر برهان، ۱۴۱۵: ۳۷؛ ابن ابی شیبہ، المصنف ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۹: ۱/ ۵۴۵) از رحلت پیامبر نگذشته بود که از تألیف مصحف فراغت یافت و آن را بر شتری بار کرد، نزد مردم آورد و به آنان نشان داد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۸۸: ۱۹۱)، اما مردم و دیگر صحابه از پذیرش آن امتناع کردند (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۹۳: ۳۷۹؛ شهرستانی، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۱۳۸۷: ۱/ ۵). بدین سان امام علی (علیه السلام) آیات قرآن را که رسول خدا بر وی خوانده بود، مکتوب، مرتب و منظم نمود (ابن بابویه، کمال‌الدین، ۱۴۰۵: ۱/ ۲۸۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۴۸) تا بدین گونه از تعرض به کتاب آسمانی و تحریف آن جلوگیری شود.

۲. نقش حضرت در علوم قرآنی

از نظر عقلانی زمانی فرد می‌تواند در زمینه تفسیر قرآن برجسته و مثمر ثمر باشد که در زمینه علوم آن نیز اطلاعاتی کافی و صحیح داشته باشد؛ لذا اگر علوم پایه آن را نداند، در

نوشتن تفسیر حقیقی دچار مشکل می‌شود. از آنجا که شخصیت علمی حضرت علی (علیه السلام) در زمینه تفسیر قرآن بسیار متمایز است، این ویژگی بیانگر عظمت علمی امام در زمینه علوم قرآنی است؛ چنان که طبق روایات از ایشان به عنوان برترین فرد در زمینه علوم قرآنی یاد شده است؛ چرا که پیامبر هنگام نزول آیات، آنها را می‌خواندند و املا می‌کردند و حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر مکتوب کردن، تأویل و تفسیرش را نیز می‌آموختند (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۵، ۲۶؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۷۰ و ۲۷۱، ح ۲ و ۶۴؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۴۱۱: ۱/ ۴۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ۱۴۱۶: ۱/ ۳۰۷؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵: ۴۲/ ۳۸۶؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۹: ۱/ ۶۴؛ عیاشی، التفسیر، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۸؛ ابن بابویه، الخصال، ۱۳۸۲: ۲۵۷)؛ به همین دلیل حضرت در زمینه تأویل نیز پیشگام بودند؛ چنان که پیامبر نیز به این امر اشاره نموده‌اند (احمد، بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۳/ ۵۰۱)؛ زیرا زمانی مبارزه برای امری صورت می‌گیرد که فرد از همه جهات به آن اعلم باشد و این را می‌توان از قابلیت‌های منحصر به فرد امام علی (علیه السلام) دانست.

مولای متقیان درباره بسیاری از آیات متشابه قرآن که فهم آنها بر مردم سخت بود، تفسیر و تأویل‌هایی در خور فهم و درک آنها، ارائه می‌دادند. در زمینه آگاه کردن مردم از اسما و صفات الهی، با توضیحی فهم‌پذیر و کامل بر مبنای یکی نبودن ظاهر و باطن آیات با هم و تأویل‌پذیری آیه متشابه به وسیله آیه محکم بسیاری از سؤالات مردم را به طور صحیح پاسخ می‌گفتند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۹۰/ ۱۱۴؛ حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۵/ ۴۰۴، ۵۰۸؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۰/ ۳).

در ذیل به برخی از اقدامات امام علی (علیه السلام) در زمینه علوم قرآنی به اختصار اشاره می‌شود:

۲-۱. تأویل

مراد از تأویل، تطبیق الفاظ یا متن با اشیای عالم عین و واقع یا حوادثی است که رخ داده‌اند یا رخ خواهند داد، چه در گذشته باشد و چه در آینده (مرادی، امام علی (علیه السلام) و قرآن، ۱۳۸۲: ۵۴). امام علی (علیه السلام) در زمینه تأویل نیز همانند بقیه علوم قرآنی سرآمد بودند (عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۷) و آن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخته بود (کلینی، فروع کافی، ۱۳۶۹: ۷/ ۴۴۲، ح ۱۵؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۱۳: ۸/ ۲۶۱، ح ۱۰۵۲). امام با بیان روایاتی، تأویل‌های موجود در آیات را مشخص نموده‌اند. در آیه ۱۸۹ سوره بقره کلمات «البیوت» و

«ابواب» را به اهل بیت (علیهم السلام) معنا نموده است. کاملاً روشن است که این کلمات در معنای ظاهری خویش به کار نرفته‌اند و در مقام تأویل هستند (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۳۷۱: ۱۷۵).

۲-۲. ناسخ و منسوخ

نسخ به معنای ازاله و زدودن، تبدیل، تحویل و جابه‌جایی است. در میان آیات قرآن، آیاتی وجود دارد که پس از نزول، جای آیه‌ای از آیات پیشین را گرفته و به زمان اعتبار حکم پیشین خاتمه داده است. آیه قبلی منسوخ و آیه بعدی ناسخ نامیده می‌شود. نسخ در قرآن بیان انتهایی زمان اعتبار حکم منسوخ است؛ به این معنا که مصلحت جعل و وضع حکم نخست، مصلحتی محدود و موقت بوده است و طبعاً حکم آن نیز محدود و موقت می‌باشد؛ لذا پس از چندی با نزول آیات جدید پایان مدت حکم قبلی اعلام می‌گردد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۴۹).

با توجه به شواهد تاریخی حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر یادگیری ناسخ و منسوخ، تأویل و... از پیامبر (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۴۸، ح ۴۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵: ۴۲/ ۳۸۶، ح ۸۹۹۳)، علمی از جمله ناسخ و منسوخ را در مصحف خویش ذکر کرده است (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۷۳: ۱/ ۴۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، بی‌تا: ۱۸/ ۱۴۹). علاوه بر این، ایشان به توضیح این احکام نیز پرداخته است (خویی، بیان در مسائل کلی قرآن، ۱۳۹۴: ۶۵۰).

ناسخ و منسوخ از منظر امام علی (علیه السلام) اهمیت فراوانی داشت و آن را از جمله شروط خطابه، قضاوت و تفسیر قرآن می‌دانست؛ به گونه‌ای که اگر قاضی ناسخ و منسوخ نمی‌دانست، معتقد بودند نه تنها خودش را بلکه مردم را هم به تباهی می‌کشاند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰۴). همچنین اگر شخصی مردم را موعظه می‌کرد ولی به ناسخ و منسوخ علم نداشت، این موعظه مورد قبول امام نبود (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۷: ۲/ ۱۷۴).

آنچه از مباحث به دست می‌آید، علم حقیقی امام نسبت به علوم قرآنی است؛ چنان که خود ایشان فرمودند ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... را می‌دانم و آنها را از فرستاده خدا به ارث برده‌ام (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۴۰/ ۱۳۸).

نمونه‌ایی از ناسخ و منسوخ از دیدگاه امام علی (علیه السلام) آن است که ایشان آیه ۲۸۶ بقره را ناسخ آیه ۲۸۴ همان سوره می‌داند و سبب رفع اندوهناکی از مردم می‌شود (ابن جوزی، نواسخ القرآن، ۱۴۱۳: ۹۷؛ ابن حجر عسقلانی، العجائب فی بیان الاسباب، ۱۴۲۴: ۶۵۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۱۲۸ / ۲). بنا به روایتی دیگر، امام آیه ۵۲ احزاب را به آیه ۵۰ همان سوره منسوخ می‌داند (ابن جوزی، نواسخ القرآن، ۱۴۱۳: ۲۱).

۲-۳. تربیت استادان علوم قرآنی

از جمله مهم‌ترین اقدامات امام علی (علیه السلام) در زمینه تثبیت و گسترش علوم قرآنی، پرورش شاگردانی مانند ابوالاسود دثلی بود که ایشان به دستور امام قرآن را اعراب‌گذاری کرد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۱۳۶۴: ۲ / ۱۱۶۰؛ عسگری، نقش ائمه در احیاء دین، بی‌تا: ۱۴ / ۱۵۹-۲۰۰؛ موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۸۵؛ طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، بی‌تا: ۱ / ۳۴۷؛ زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۹: ۳ / ۲۳۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۱۷). به طوری که خود ابوالاسود دثلی علم نحو و قواعد عربی خود را از امام علی (علیه السلام) می‌داند و بعد از نوشتن قواعد و رفع اشکال آنها توسط امام، دست به گسترش آن می‌زند. نتیجه این کار آن است که هر کس علم نحو را می‌آموخت، قرآن و دیگر متون را می‌توانست بدون اعراب‌گذاری هم صحیح بخواند. اگر این خدمت حضرت امیر نبود، علاوه بر تحریف قرآن، کسی هم نمی‌توانست از معارف الهی بهره‌بردار (عسگری، نقش ائمه در احیاء دین، بی‌تا: ۱۴ / ۱۵۹-۲۰۰).

نتیجه

آنچه گذشت دلالت بر علم کثیر امام علی (علیه السلام) دارد و بیانگر آن است که هر آنچه از قرآن فرود می‌آمده، ایشان به تفسیر و تأویل آن آگاه بوده است؛ چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وی را به آنها آگاه می‌کرد. از سویی، امام علی (علیه السلام) علاوه بر تربیت بزرگان صحابه در تفسیر چون ابن عباس، ابن مسعود و دیگران، اینان خود به مقام والای علی (علیه السلام) در تفسیر معترف بودند. از طرفی حضرت علی (علیه السلام) با به کارگیری روش‌های تفسیر قرآن به قرآن، با بیان معانی واژگان و همچنین با بیان روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) توانست بزرگان را نسبت به علم خویش معترف کند و همچنین کمک شایانی به گسترش و حفظ معارف الهی نماید. این همه بر علم حقیقی و الهی حضرت علی (علیه السلام) دلالت دارد.

منابع

۱. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، مصنف ابن ابی شیبہ، بیروت: دارالفکر للطباعة، ۱۴۲۹ق.
۲. ابن أبی الحديد، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آبه الله العظمی المرعشی النجفی، بی.تا.
۳. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی، بی.تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۸. ابن جوزی، جمال الدین، نواسخ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۰. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۶ق.
۱۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۱۲. ابن درید، محمد بن حسن، کتاب جمهره اللغة، بیروت: ۱۹۸۸م.
۱۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۸ق.
۱۴. ابن شاذان، فضل، الايضاح، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ش.
۱۵. ابن شبه، عمر، اخبار المدينه النبویه، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
۱۷. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، تفسیر التحرير و التنوير، تونس: الدارالتونسيه، ۱۹۸۴م.
۱۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستيعاب، بیروت: دارالجبیل، ۱۴۱۲ق.
۱۹. ابن عساکر، تاریخ مدينه دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۰. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ذیل فسر، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲۲. ابن ماجه قزوینی، حافظ، سنن ابن ماجه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۳. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۲۴. ابن یحیی ، احمد، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲۵. ابوالفتوح رازی، حسین، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۲۶. امینی، عبدالحسین، الغدير، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، ویرایش دوم، ۱۳۶۸ش.
۲۷. بحرانی، هاشم، تفسیر برهان، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۱۵ق.
۲۸. بحرانی، ماثم بن علی بن میثم، النجاة فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامة، قم: مجمع الفكر الإسلامی مؤسسة الهادی، ۱۴۱۷ش.
۲۹. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان: دار المعارف النعمانية، ۱۴۰۱ق.
۳۰. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، تهران: افست، ۱۳۶۸ش.
۳۲. حسکانی، عبيدالله، شواهد التنزيل، تهران: وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۳. حسینی میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الامامة والامام، قم: مرکز الحقایق الاسلامیه، ۱۳۸۹ش.
۳۴. حلی، حسن بن یوسف، النافع يوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. حلی، نجم الدین، المسلك فی أصول الدین، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۳۶. حویزی، عبد علی، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۷. خویی، ابوالقاسم، بیان در مسائل کلی قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۹۴ش.
۳۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۴ق.
۳۹. رازی، فخر الدین، تفسیر الرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۰. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳ش.
۴۲. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: ۱۴۱۴ق.
۴۳. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

۴۴. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۷ق.
۴۵. زرکلی، خیر الدین، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹م.
۴۶. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴۷. سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۴۸. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، مصر، مطبعة السعادة، ۱۹۵۲م.
۴۹. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۵۱. شافعی، محمد بن ادريس، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق.
۵۲. شبلنجی، مومن، نور الابصار، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۳ش.
۵۳. شریف الرضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: آل علی (علیه السلام)، ۱۳۷۹ش.
۵۴. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، الجامع بین فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۵۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۷ش.
۵۶. صالحی کرمانی، محمدرضا، درآمدی بر علوم قرآنی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ش.
۵۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مكتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۸. طاهری، حبیب الله، درس های از علوم قرآنی، تهران: اسوه، ۱۳۷۷ش.
۵۹. طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸ش.
۶۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۶۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۳ش.
۶۲. طبرسی، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ق.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۶۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶۶. عاملی، محمد، وسائل الشیعة، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۲ش.

۶۷. عبدالرزاق حسینی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایة، ۱۳۸۵ ش.
۶۸. عتر، نورالدین، علوم القرآن الکریم، دمشق: مکتبة الصباح، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ق.
۶۹. عسکری، امام حسن بن علی، تفسیر (منسوب به) امام عسکری، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷۰. عسکری، مرتضی، نقش أمه در احیاء دین، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر، ۱۳۸۲ ش.
۷۱. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: کلیه اصول الدین، ۱۳۷۴ ش.
۷۲. عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، تهران: موسسه البعثة، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۷۳. عمادی، محمد بن محمد، ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۴. عمر، محمد بن عبد الرحمن، نشر طی فی فضل حملة العلم الشریف و الرد علی مافتهم الخیف، جدة: دارالمنهاج، ۱۹۹۷ م.
۷۵. عمری، احمد جمال، دراسات فی التفسیر الموضوعی القصص القرآنی، مصر: مکتبه الخانجی، ۱۴۰۶ ق.
۷۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۷۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۱۴۰۵ ق.
۷۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ترتیب القاموس المحیط، بیروت: ۱۳۹۹ ق.
۷۹. فیض کاشانی، محمد، تفسیر صافی، تهران: مکتب الصدر، ۱۳۷۳ ش.
۸۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۸۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۸۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم: دارالأسوة، ۱۴۱۶ ق.
۸۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: کتاب فروشی علمیه الاسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
۸۴. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ش.
۸۵. ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب، الأحکام السلطانیة والولايات الدینیة، کویت: دار ابن قتیبه، ۱۴۰۹ ق.
۸۶. متقی هندی، علی، کنز العمال، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۸۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۸۸. مخزومی، مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، بیروت: المنشورات العلمية، بی‌تا.
۸۹. مرادی، محمد، امام علی (علیه السلام) و قرآن، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۲ش.
۹۰. مراغی، احمد، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۹۱. مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، علوم القرآن عند المفسرین، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۹۲. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، مشهد مقدس: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۹ق.
۹۳. مفید، محمد بن محمد، الجمل، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱ش.
۹۴. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم: نسل جوان، ۱۳۸۶ش.
۹۵. موسوی بجنوردی، کاظم، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۹۶. موسوی، الشریف المرتضی، الشافی فی الامامة، قم: مؤسسة إسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۹۷. نسائی، احمد بن علی، سنن نسائی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۹۸. نیشابوری، محمد حاکم، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۸ق.
۹۹. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، قم: هادی، ۱۴۰۵ق.
۱۰۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۹ق.